

# نقش مسجد در شکل‌گیری فضاهای شهری و مناسبات فرهنگی

غلامرضا گلی زواره  
پژوهشگر علوم دینی

## مسجد الحرام قلب جهان اسلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين» [آل عمران/۹۶] (نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده همان است که در مکه می‌باشد. جایی که سبب برکت و هدایت برای جهانیان است).

بنابراین نخستین کانون توحیدی و عبادی و با سابقه‌ترین مکانی که مردم در آن به عبادت مشغول بوده‌اند و با پروردگار خویش نیایش نموده‌اند، خانه کعبه است؛ همانجایی که قبله تمامی مسلمانان بوده است. مراسم عبادی سیاسی حج در آن به جای آورده می‌شود. براساس تأکید قرآنی، این مکان از سوی خداوند کانون امن و امان اعلام شده و مقررات مهمی برای تحقق این موضوع از سوی شارع مقدس وضع گردیده است، که رعایت آنها الزامی و اجتناب ناپذیر است. مورخان می‌گویند: خداوند فرشته‌ای را به سوی حضرت آدم فرستاد و محل این خانه و حدودش را به وی نشان داد و او نخستین کسی بود که این خانه را ساخت و در آن نماز گزارد. [ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ۲۴] ابن عباس، مفسر معروف نیز بر این موضوع تصریح دارد. [ارزقی، اخبار مکه، ۷] این خانه در طوفان نوح (ع) آسیب دید و حضرت ابراهیم (ع) از سوی پروردگار متعال مأمور گردید نسبت به تجدید بنای آن اقدام کند. این مکان مقدس رو به روی بیت المعمور در آسمان و مقابل عرش الهی می‌باشد. [کاشانی، منبج الصادقین، ج ۱، ۱۰] ساختمان کعبه در میان مسجد الحرام قرار دارد که در حقیقت منشاء تأسیس شهری به نام مکه گردیده است. معراج پیامبر اکرم (ص) از مسجد مذکور بود که بر مساجد دیگر برتری و فضیلت دارد و طاعات و عباداتی که در آن به جای آورده می‌شود، ثوابی فزونتر در پی خواهد داشت.

مکانی مانند مکه وجود امت واحده به این شکل احساس نمی شود. جامعه ای متحد در حرم امن الهی در مسجد الحرام و سایر مکان های مقدس مکه که وجه مشترک آنان مراسم حج است، مراسمی که راز و رمز فراوانی در آن نهفته است. [ر.ک: نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، باب ۱۷] اهل معرفت و اصحاب بصیرت در اینجا حکم توحید را از سر به علن و از باطن به ظاهر سرایت می دهند و جهات گوناگون خویش را در وحدت فانی می نمایند. از این رو راز نه شرقی و نه غربی را در می یابند و با توجه ظاهری به کعبه حق را با تمام وجود و همراه با جمعی کثیر مشاهده می نمایند. [معمدی، مبانی هنر موعود، ۹۹]

### مسجد النبی و پرتو پر تابش آن

آنچه مکه و مدینه را مکمل هم می کند این است که مکه یک جهت و مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جایگاه مسجدی است که خاتم رسولان، آن را بنیان نهاد. این شهر مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاشهای فرهنگی اجتماعی پیامبر اکرم (ص) گشت، و با ورود پیامبر بدان از یترب به «شهر پیامبر» تغییر نام یافت. انتخاب این محل برای اقامت و هجرت بدان سوی یک تصمیم شخصی نبود بلکه به مشیت الهی وابسته بود. نخستین کار برگزیده پیامبران در مدینه ساختن یک مسجد بود. [بمات، شهر اسلامی، ۱۸۷] در نخستین سال هجرت بنای مسجد النبی با سنگ و گل آغاز شد و در نهایت سادگی احداث گردید. ستونهای تنه درخت خرما، و سقف آن از شاخه ها و برگهای گیاهان پوشیده شده بود، کف آن با حصیر مفروش و بدون هرگونه آلاشی برای عبادت پیامبر و یاران و اصحابش آماده شد. در ادوار گوناگون خلفا و امیران مسلمان بر توسعه و تأسیسات مسجد النبی افزودند و بتدریج شکل کنونی را به دست آورد. مسجد امروزی شامل دو قسمت قدیم و جدید می باشد. این بنای مقدس به همراه بارگاه مطهر حضرت نبی اکرم (ص) بر سیمای شهری و معابر و فرایندهای اجتماعی فرهنگی مدینه اثری قابل ملاحظه گذاشته است. مدینه به برکت چنین بناهای مبارک و مساجد و اماکن مذهبی دیگر حرمت فوق العاده ای به دست آورده است. رسول خدا فرموده اند: حضرت ابراهیم مکه را حریم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم قرار دادم. [زفت پاشا، مرآة الحرمين، ۴۲۷]

بهترین خیابان های مدینه و طولانی ترین آنها در غرب مسجد النبی قرار دارد که بناهای با شکوهی را در خود جای داده است. نکته جالب این است که حضرت رسول اکرم (ص) برای آن که آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک واحد معماری برپا کرد و خانه های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان بی خانمان و اهل تعبد تحت عنوان اصحاب صفا در حوالی مسجد می خوابیدند. در کنار مسجد خیمه ای به عنوان بیمارستان برپا شد. و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت. زیرا دین مبین اسلام تمامی ابعاد زندگی بشر را در بر می گیرد و از این روست که تمامی ساختمانهای مهم اجتماعی و عمومی و حیاتی در اطراف مسجد النبی تمرکز می یابند. [لمعی، مدینه منوره، ۱۹]



مجموعه میدان امام خمینی (نقش جهان)، اصفهان

[طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ۴۷۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ۱۸۷] برای هر فرد مسلمان در هر نقطه ای از جهان که باشد، مسجد الحرام و خانه کعبه مفهوم خاصی دارد. حداقل در پنج نوبت در شبانه روز از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه مکه می نماید و در واقع عالیتین و عظیمترین مکانی است که همه نگاهها به هنگام نماز متوجه آن قبله گاه مسلمین می شود. در واقع همه نگاهها از هر نقطه از دایره بزرگ شهر اسلامی که متوجه مرکز ثقل می شود، بر نگاه دیگری اصابت می نماید. این فضای والا و متعالی معرفت نظامی از اصول، ارزشها و معیارهای مقدس اما مشخص و دقیق است. ارزشهای اصیلی که بر جامعه اسلامی حاکم است و فراتر از زمان و مکان جغرافیایی است و امت واحده را در اذهان تداعی می نماید. جامعه ای که به سوی قبله واحد روی می گرداند و آرمان یکسانی را می جوید. اگر این مشترکات تقویت یابد همان «بنیان مرصوص» را که قرآن بر آن تأکید می کند به وجود می آورد. وحدت استواری که می تواند بر معماری شهرها و محل سکونت مسلمانان اثر بگذارد؛ مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم پدید آورد. پروفیسور نجم الدین بمات (۱۹۸۵-۱۹۲۲) می نویسد: «مکه تنها یک جهت است برای نمازگزاران و مکانی است برای تجمع و برای زیارت نه یک پایتخت. مکه مرکز جهان اسلام می باشد. زیرا محور کلیه مسیرهاست، البته نه به صورت مرکز یک دولت...» [بمات، شهر اسلامی، ۳۴] مکه در واقع شهر عبور است. در هیچ

بخشها و اجزای شهر در بافتی یگانه با مسجد جامع پیوستگی و پیوند تنگاتنگی برقرار نمود. حتی در گسترش و توسعه شهر و انتقال پاره ای از نقشهای چندگانه مسجد به خارج از آن، باز هم در جایگزینی فضایی نهادها، سهولت ارتباط با مسجد همواره از اولویت کامل برخوردار بوده است. [دیار ابرار، ج ۷، ۱۹۹] عنصری که به فضای مرکزی شهر شکل می داد «رحبه» بود، این واژه وسعت را تداعی می کند. میدانی در گستره شهر که جز در مواردی خاص اشغال نمی شود، این فضا در جنوب غربی مسجد قرار داشت. در منابع روایی شیعه میدان مذکور با نام حضرت علی (ع) همراه است، زیرا وقتی کوفه را به عنوان مرکز حکومت برگزید در گوشه ای از این فضا، خانه ای محقر بنا نمود و از اقامت در قصر شهر اجتناب کرد. رحبه نقش مهمی برای مراسم اجتماعی - سیاسی و آماده باش نظامی داشت و جزئی از مسجد محسوب می شد. در قرن اول و دوم این فضا در مجاورت مساجد قابل مشاهده بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۴۵ ه. ق به هنگام قیام شیعیان در مدینه، حاکم وقت به مردان مسلحی که به یاریش آمده بودند، فرمان داد تا زمان سرکوبی مخالفان، در رحبه اقامت نمایند. این منطقه که در برزخ بین مسجد و محلات مسکونی قرار داشته است، مظهر تعمیم یافته ساختار شهری بوده، جایی که همه سنتهای ویژه در آن به یکدیگر پیوند می خوردند. آنچه مسلم است آن است که طرح اولیه کوفه که از نظمی خاص پیروی می کرده، می توانسته است به ایجاد شهری بزرگ دارای فضای باز و هندسی بیانجامد. زیرا توسعه آن دائماً تحت کنترل بوده و بر طبق روند اولیه، از جهت طولی به پیشرفت ادامه می داده است و این یعنی جلوگیری از فشردگی. اما در دهه های بعد کوفه از این ساختار فاصله گرفت و روندی معکوس و درهم ریخته را پیش گرفت. گستره مرکزی شهر که خندقی آن را محدود می کرد و منطقه ای ممنوعه بود که کسی حق ساختن خانه در آن را نداشت، بزودی دچار دست اندازی مالکان خصوصی که غالباً از افراد اموی بودند، گردید و شهر را از ساختار قبلی بیرون آورد. عمرو بن حدیث از ثروتمندترین افراد کوفی و از نزدیکان حاکم و در واقع معاون زیاد و فرزندش عبیدالله اولین کسی بود که به چنین کاری دست زد و مقدمات بر هم ریختن سیمای شهری کوفه را که نظم و انسجام خود را بر حول محور مسجد حفظ کرده بود، فراهم آورد. [جعیط، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ۱۰۷]

مساحت کنونی مسجد کوفه بالغ بر ۴۰ هزار متر مربع می باشد و ساختمان آن شمالی - جنوبی است و به مرور ایام تغییرات مهمی در شکل ظاهر و وسعت مسجد پدید آمده است. از نخستین روز تأسیس این بنا، مسجد کوفه دارای اهمیتی زاید الوصف در زمینه های عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. موقعیت خاص حکومتها همچنان که سرنوشت کوفه را دگرگون می ساخت، در درجه اهمیت مسجد اثر می گذاشت. اوج توجه به آن در ابعاد گوناگون در زمان خلافت حضرت علی (ع) بود. این مسجد همچون مسجد النبی رفته رفته به صورت مرکز علمی و فرهنگی پر جوش و فعالی در آمد و جایگاه بحث و تدریس هزاران جوینده دانش گردید و در آن دهها حلقه درس

در جای جای مدینه مساجدی پر خاطره، تاریخی و مهم وجود دارد که در تعدادی از آنها پیامبر نماز گزارده اند [ابن شبه نمیری، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ۵۷] و متأسفانه از میان آنها مساجدی چون مسجد الزهرا، المنارتین، المائده و الثنایا توسط گروهی جهالت پیشه و دارای افکار منحط تخریب گردیده اند. [الحسن، الشیعة فی المملكة العربیة السعودیة، ج ۲، ۲۰۹]

### مسجد، اولین بنای شهر کوفه

شهر کوفه در سال هفدهم هجری قمری، در جایی بین حیره و فرات که آب و هوای برّی و بحری داشت به عنوان «دارالجهه» و «منزل الجهاد» احداث گردید. منظور از ساختن این شهر آن بود که محلی دائمی برای اقامت رزمندگان اسلام که مشغول فتوحات شرقی بودند فراهم آید. اولین بنای کوفه، مسجد آن بود که توسط مهندسی ایرانی به نام روزبه طراحی شد. وی برای این مکان طرحی ریخت که شامل دو قسمت می شد: در بخش اول، مسجد وسیعی قرار می گرفت که رواقی به مساحت ۲۰۰ ذراع با ستون های مرمر و سقفی هموار داشت. خندقی اطراف مسجد حفر نمودند تا مردم در داخل و نیز در حریم آن بنایی نسازند. در سطح شهر ۱۵ راه اصلی ساخته شد که تمامی آنها به کانون مهم شهر؛ یعنی مسجد ختم می گردید. پنج معبر از پشت صحن مسجد، چهار معبر از سوی قبله، سه معبر از سمت شرق و سه معبر از مغرب مسجد عبور داده شد. اطراف این معابر اصلی را بر اساس اهمیتی که برایشان قایل بودند، ناحیه بندی کردند. آنگاه برحسب اهمیت، مشخصات و موقعیت اجتماعی قبایل، برای خانه سازی میان سکنه کوفه تقسیم گردید. طبری می نویسد: هنگامی که خواستند شهر کوفه را بسازند، اولین چیزی که نقشه آن ترسیم و بنا گردید مسجد بود. مردی در وسط ایستاد و از چهار طرف تیری پرتاب کرد تا حدود چهارگانه مسجد تعیین گردید. مسجد در زمین چهار گوشه بود که از هر طرف کشیده بودند و در جلو آن رواقی ساخته شد. [طبری، تاریخ، ج ۵، ۱۸۴۸] همین بنا اثری ژرف در طرح و نقشه کوفه گذاشت. از این رو محله ها،



مسجد کوفه، عراق

تشکیل می شد. از نظر اجتماعی و سیاسی مسجد کوفه، اغلب پایگاه قدرت نمایی موافقان و مخالفان دستگاه حکومت به شمار می رفته است و به خاطر نزدیک بودن به دارالاماره، والی شهر نسبت به آن حساسیت ویژه ای داشت.

در شرافت و مقام بالای مسجد کوفه همین بس که در کنار مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی، یکی از چهار مسجدی است که در فرامین اسلامی به مؤمنان توصیه شده است تا بدانجا هجرت کنند و خود را به این چهار مسجد برسانند. بنا به روایات مستند، در مکان کنونی مسجد کوفه قبل از خلقت آدم فرشتگان عبادت می کرده اند و محلی است که مشمول برکت خداوند شده و جایگاه عبادت آدم و سایر انبیا، اولیا و صادقین بوده است. [بلاقی، تاریخ الکوفه، ۵۳؛ مشهدی، فضل الکوفه و مساجدها، ۳۹] منابع



مسجد جامع نیشابور

روایی تأکید کرده اند که وقتی حضرت مهدی (عج) قیام کند کوفه را مقرر حکومت خود قرار داده و پرچم حق و عدالت را در این دیار به اهتزاز در می آورد [مفید، ارشاد، ۱۳۹۳]. امام صادق (ع) نیز فرموده اند: نماز خود را در مسجدالحرام، مسجدالرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین تمام بخوانید. برای مسجد کوفه فضایل و اعمالی ذکر شده که در کتب ادعیه چگونگی آنها ذکر گردیده است.

### سیر تاریخی جهاد مسجد سازی

توصیه به احداث مسجد و تأکید بر عمران و آبادانی آن از سوی رسول اکرم (ص) و ائمه هدی موضوعی است که در گسترش کمی و کیفی مساجد شهرها و روستاهای جهان اسلام تأثیر قابل ملاحظه ای داشته است. رسول اکرم (ص) فرموده اند: «ابنوا المساجد و اجعلوها جما» [عاملی، وسائل، ج ۳، ۴۸۵، قمی، سفینه البحار، ج ۱، ۶۰۰] (مساجد را بنا کنید و آنها را محل اجتماع خود قرار دهید). امام صادق (ع) متذکر گردیده اند: «من بنی مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة» [مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ۳۶۴] (کسی که مسجدی تأسیس کند خداوند برایش منزلی در بهشت بنا می نماید). خاتم پیامبران آباد نمودن مسجد را از خصال اهل مروت دانسته و در جایی دیگر تأکید نموده اند: عذابی که از آسمان فرود می آید خداوند متعال، بانیان و آباد کنندگان مسجد را مصون می نماید. [نهی الفصاحه / کلام ۶۸۲] مسلمانان از صدر اسلام این توصیه

ها را کار بستند و برای احداث مسجد، آن هم به بهترین وجه و در مکانی مناسب و مرکزی، این کانون عبادی و معنوی را بنیان نهادند، تا عطر روح افزای آن مشام جان و قلب مؤمنین را بنوازد. اولین مسجد در قبا، بنا شد و پس از آن مسجد مدینه بنیان گردید. رهنمودهای پیامبر به ساخت، نگهداری، دائر نگه داشتن، طهارت و رفتن به مسجد چنان شور و شوقی در اعماق دل مسلمانان پدید آورد که از همان صدر اسلام به ساختن مسجد در تمامی سرزمینهای اسلامی، به عنوان یک عمل مستحب عبادی، توجه می شد. هماهنگ با رشد و توسعه بلاد اسلامی مساجد به صور گوناگون ظاهر گشت و به صورت شبکه یا نواری ویژه از پدیده های شناخته شده جغرافیایی درآمد.

نخستین مساجد بسیار ساده ساخته می شد و نسبتاً کوچک می نمود، دیواری گلی و چند تنه درخت خرما که سقفی از شاخه های خرما داشت. در واقع هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدید جوی حفظ شوند. این پدیده با نمونه قدیمی تمام مساجد متداول زمان که دارای یک صحن و یک حرم بود مطابقت داشت. [کونل، هنر اسلامی، ۱۲] کریستین پرایس می نویسد: نخستین مساجدهای عربستان به روزگار حضرت محمد (ص) محدوده های مستطیلی بود که یک سوی آن برای پرهیز از باد و باران سقف داشت. در اتاق سرپوشیده نه محرابی بود و نه مجسمه ای از پاکان، گذاشتن مجسمه و تصویر موجودات زنده در مساجد حرام بود. اثاث مسجد نیز مانند ساختمانش ساده بود. در حیاطش حوضی بود که مؤمنان در آن وضو می گرفتند. به شبستان یا جایگاه نماز با پای برهنه می رفتند. [پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۱۳] بزودی احتیاج به داشتن بناهایی استوار احساس گردید و به معماران وسعت عمل بیشتری جهت مسجد سازی داده شد. بتدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدسته و گنبد متداول شد و ساختن مساجد با شکوه و با عظمت، با معماریهای پرجاذبه فصل جدیدی در احداث این بنای مقدس گشود و رفته رفته ساخت آن در مقیاس عظیم در تمامی سرزمینهای اسلامی مرسوم گشت. صرف نظر از ویژگیهای اقلیمی و چگونگی پیدایش شهرها و موقعیت جغرافیایی آنان و جنبه های کاربردی هر شهر، تلاش گردید مسجد سازی برای حفظ شعائر دینی امری عادی تلقی نگردد، بلکه به منزله یک امر ضروری برای حفظ شئون سیاسی و اجتماعی سازنده آن به شمار آید. در زمانی که اوضاع مناسبی بر سرزمینی حکمفرما بود، شمار مسجد فزونی می یافت، از جمله: شهرهای قاهره، اسکندریه، بغداد و بصره در سده های آغازین اسلامی به دارا بودن مساجد متعدد و با شکوه شهرت یافتند. [زمانی، «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد» مجله هنر و مردم، شماره ۱۶] در واقع بالندگی هر شهر به شمار و شکوه مساجد وابسته بود. ناصر خسرو می نویسد: «و در شهر مصر - غیر قاهره - هفت جامع است، چنانکه بهم پیوسته و به هر دو شهر پانزده مسجد آدینه است که روزهای جمعه در هر جای خطبه و جماعت باشد. در میان بازار مسجدی است که آن را باب الجوامع گویند و آن مسجد به چهار صد عمود رخام قائم است، و آن دیوار که محراب بر اوست سرتاسر تخته های رخام سپید است، و جمیع قرآن بر آن تخته ها به خطی زیبا نوشته. و از

متمایل به خاکستری درختهای زیتون قرار می گیرد. اما جالبی فاس بدان جهت است که اماکن مقدس مذهبی و در رأس آنها مساجد، به شکوه آن افزوده اند. مسجد القرویین سند محکمی است بر این سخن و این در حالی است که سایر بناهای آموزشگاهی، آن را تکمیل می کنند. پلان شهر به صورت دواير متحدالمركز است و مغازه ها از مجاور مساجد قدیمی آغاز می شوند. احمد سفیریوی نظم شهر را چنین تشریح می کند: «... شهر فاس انعکاس مفهوم متافیزیکی خاص اسلام است. شهر پیرامون کانونی از زندگی مذهبی و اجتماعی برپا شده است. در اینجا مسجد، حمام، مکتب خانه و محکمه قاضی قرار دارد. سپس نوبت به راسته بازارهای مربوط به مشاغل با ارزش می رسد. متأسفانه اخیراً جغرافیای شهر تغییر کرده و ترکیب آن بهم ریخته و مساکن قدیمی قطعه قطعه گردیده و به صورت آپارتمان درآمده اند و بدین گونه سه چهارم شهر تجزیه شده است. با این وجود شهر فاس شایستگی این را دارد که به دلیل غلبه فضاهای مذهبی و حفظ شکوه فرهنگ سنتی از نمونه های بارز شهرهای اسلامی باشد». [بمات، شهر اسلامی، ۱۶۱]

#### انوار درخشان

ترکمنها یا عثمانیها که از ایران آمده بودند، قبل از نفوذ در بخش ترکیه اروپایی و حضور در قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ م. در آناتولی یا آسیای صغیر ظاهر شدند. در آناتولی، آنها نخستین عناصر هنری خود را بویژه در بناهای شهر قونیه عرضه داشتند. در مساجد سبک عثمانی چهارگوشی وسیع با گنبدی کم خیز را می توان دید. دو سوی این فضا به شکل دو تالار نیمه مدور که با نیم گنبدها پوشیده شده اند گسترش یافته است، و دو سوی دیگر با قوسهای بزرگ به پشتیبانی سبک متصل شده اند. البته بتدریج در این معماری تغییراتی پدید آمد. مهمترین بناهای هنر اسلامی عثمانی عبارتند از: مسجد بایزید در قسطنطنیه (که قدیمی ترین بنای این سبک به شمار می رود)، مسجد سلیمانیه و مسجد احمد اول. [هانری مارتن، سبک شناسی، هنر معماری در سرزمینهای اسلامی، ۲۲۴] مسجد ملکه صفیه اصیلترین مسجد عثمانی در قاهره



مسجد جامع السلطان احمد (احمدیه، آبی)، استانبول

بیرون به چهار حد مسجد بازارهاست و درهای مسجد در آن گشاده و مدام در آن مدرسان و مقربان نشسته و سیاحتگاه آن شهر بزرگ مسجد آن است و هرگز نباشد که در او کمتر از پنج هزار خلق باشد...». [ناصر خسرو، سفرنامه، ۶۲]

#### شکوه معنوی شهرها

از سال ۱۳۴ هـ. ق مسلمانان توانستند در اسپانیا مستقر شوند و سلسله ای مستقل را در این ناحیه تأسیس نمایند. در پرتو حمایت فرمانروایان حاکم بر این منطقه، سبکی ممتاز و اصیل در معماری اسلامی پدید آمد که بزرگترین اثر بر جای مانده از آن مسجد «قرناته» است. بنای این مسجد از سال ۱۶۳ هـ. ق آغاز و در ادوار بعدی پیوسته ساختمانی بدان افزوده شد. جایی که محراب قرار داشته، امروز دارای ۱۹ شبستان و سومین مسجد بزرگی است که هنوز پا برجای مانده است. بجز این مسجد، آثار تاریخی دیگری از دوران اسلامی در قرطبه باقی مانده است همچون مسجدی، کوچک به نام «باب مردم» و شهر کاملی به نام «مدینه الزهرا» که بعدها متروک شده است. از حفاریهایی که در این شهر پدید آمده استفاده می شود که در آرایش دیوارهای منازل و گچبریهای ساختمانهای مسکونی به خصوص سقف مسطح خانه ها از مسجد قرطبه الهام گرفته شده است. [تالبوت رایس، هنر اسلامی، ۱۸۹] پرایس در این باره نوشته است: مایه سرافراری قرطبه، مسجد جامع آن بود که یکی از مقدسترین مکانها در نظر مسلمانان مغرب به شمار می رفت. زائران مسلمان از سرزمینهای دور و نزدیک، راه قرطبه را پیش می گرفتند و از میان دشتها و کوههای سرسبز اندلس می گذشتند. این شهر در کرانه شمالی «وادی الکبیر» است. خانه ها و باغها و بیشه های آن در بیرون یارو بود و در دو سوی آن، این رود گسترده ای شده بود. مناره های بلند مسجدها را همچون راهنمایی برای زائران برافراشته بودند و از پل بلند بیرون شهر به چشم می خوردند. یک خیابان کوتاه و سرایشیب، از پل آغاز می شد و به دیوار غربی مسجد می رسید. زائران چون از دروازه به حیاط و از آنجا به شبستان مسجد می رسیدند، خستگی این سفر دراز از تنشان می رفت و به جهان شور دینی گام می نهادند. می توانستند از میان درهای بزرگ شمالی مسجد تا گوشه های دور دست شبستان را مشاهده کنند. ردیفهای درخت پرتقال سایه دلپسندی بر حیاط می افکند و قطارهای تنه باریک درختان تا درون ساختمان، گویی ادامه می یافت؛ اما در درون ساختمان مسجد، مبدل به ستونهای مرمرین می شدند که تا محراب، پشت سر هم قرار داشتند. اگر چه اکنون مسجد مذکور تبدیل به کلیسا شده، اما هنوز به دشواری می توان چنین موضوعی را باور کرد. [پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۲۶] شهر فاس به خودی خود نمونه ای کامل از شهری است که با تمدن اسلامی هماهنگی دارد. جدایی بین شهر و زمینهای اطراف محسوس است. سبزی سرامیک باهما در نور خورشید می درخشد و در برابر سبزی



مسجد امام خمینی، اصفهان

لحاظ مذهبی از قداست ویژه ای برخوردار شدند، در هویت فرهنگی و اقتدار اجتماعی این شهرها نیز مؤثر بودند و در سیمای شهر، توسعه آبادیها و رشد و گسترش برخی مشاغل و شکل و تکنیک واحدهای مسکونی، حضور باصلاحت خویش را بروز دادند. این ویژگی به حدی قوی است که هنوز هم می توان آن را مشاهده نمود. [بویل، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، ۲۵۵] در عهد صفویه سبک قدیم معماری ایران در احداث بناهای مذهبی تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح جای خود را باز کرد. اما استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ، برای تزئین رونق فراوان یافت. به طوری که ساختمانهایی چون مساجد و مدارس از گنبد، ایوان، طاقنما، سردر ورودی و حتی مناره ها با کاشی آراسته شد. [کیانی، تاریخ هنر معماری در دوره اسلامی، ۱۰۵] در این عصر، همزمان با ظهور کاشیکاری که با استقبال عموم مردم روبرو شد، راه حل جدیدی برای سقف گنبدی پدیدار شد و آن عبارت است از: تبدیل طرح چهارگوشه زیربنا به طرح مدور گنبد، که هم ساده تر و هم عاقلانه تر به نظر می رسد. در مسجد شیخ لطف الله و مسجد امام خمینی اصفهان گنبدها برگردنی بلند و استوانه ای شکل نهاده شده اند، که دایره پیرامونی آن با نوک چهار سر طاق ساخته شده بر زوایای محوطه زیر گنبد و چهار سر طاق دیگر، تماس می باشد.

معماری عصر صفوی زیبایی ویژه ای به مساجد داد و مردم نیز به زودی در ساخت مسکن و سایر اماکن این سبک را مورد توجه قرار دادند و نوعی معماری ملهم از مساجد به مکانهای مسکونی سرایت پیدا کرد. اما هیچ کدام از این بناها نتوانستند از شکوه و صلابت مسجد پیشی گیرند: گنبد مسجد امام خمینی (مسجد شاه اصفهان) بر فراز بناهایی که آن را احاطه کرده اند، سر به آسمان کشیده است. گنبدی که توسط طبقه ای هشت ضلعی با طاقنماهای زیبا کاملاً به بناهای اطراف اتصال دارد. در عین حال شکوه خود را در فضای شهر به طور مستقل بروز می دهد و هنوز هم با وجود گسترش بناهای چند طبقه سیمانی در شهر اصفهان، جلوه پر ابهت مساجد مذکور زیبایی و آراستگی خود را حفظ نموده که موجب مباهات معماری اسلامی است.

[گذار، آثار ایران، ج ۳، ۲۰۹]

در طول زمان در بسیاری از شهرهای ایران بناهای مجموعه ای ساخته شده که گروه ویژه ای را در معماری تشکیل می دهند.

است که اقتباسی از بناهای مذهبی استانبول به خصوص مسجد جراح پاشا و ادرنه می باشد. مسجدالجدید (مسجد ماهیگیران) که در سال ۱۰۷۱ ه. ق به ابتکار مبارزان الجزایری ساخته شده است، به سبک گنبد مرکزی و چهار گنبد کناری آن، سیمایی عثمانی دارد. [ریمون، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ۱۱۲] محمدبن ابوزهب که در مصر به قدرت رسید اگر چه در آرزوی سلطه کامل به این دیار و استقلال از قدرت عثمانی بود، اما خود را برای پذیرش اطاعتی ظاهری از باب عالی آماده کرد. ساختن مسجدی به سبک عثمانی در محیطی مهم و معتبر به مثابه اثبات آشکار وفاداری به سلطان بود. [ریمون، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ۱۲۱] مسجد تربت در تونس نیز تأثیر پذیرفته از فضاهای مساجد امپراتوری عثمانی می باشد، زیرا مناره آن با چهارگوش و مقطع هشت گوش، منارهای عثمانی را به خاطر می آورد؛ اگر چه شکل گلدسته یا مأذنه آن اصیل است. [ریمون، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ۱۴۳] تمامی این بناهای مقدس در سیمای عمومی شهرها هویتی مستقل، تعیین کننده و فرازمنند داشته اند و بناهای دیگر از این کانون به سوی دیگر نقاط شهر شکل می گرفته اند. دیوید تالبوت رایس می نویسد: «مشهورترین و قشنگترین این مساجد، مسجد سلطان سلیمان در قسطنطنیه است که در موضعی بلند و مسلط بر شاخ طلایی ساخته شده است. گنبد عظیم آن را چهار ستون مربع نگاه داشته و چهار مناره دارد: دو تا پهلوی درب ورودی و دو تا در دو انتهای حیاط جلو. در کنار این مسجد شمار زیادی بناهای فرعی ساخته بودند، زیرا در بیشتر موارد مدرسه ای به زیر بنای مسجد افزوده می شد و حجره های گوناگون برای زندگی طلاب و خدام مساجد نیز در نظر گرفته می شده است. بر مساجد بزرگتر بازارچه ای می افزودند و در نزدیکی آنها آرامگاههای با شکوه می ساختند و بدین گونه مسجد کانون مهمی برای شهرها به شمار می آمد. [رایس، هنر اسلامی، ۲۰۹] سلجوقیان با این که قومی بیابان گرد بودند، همین که با فرهنگ اسلامی آشنا شدند، حمایت از آن را و وجه همت خویش قرار دادند و در گسترش بناهای مذهبی تا آنجا پیش رفتند که به معماری ایران - با تأثیر پذیری از ارزشهای دینی - شکوه ویژه ای بخشیدند. [شاه حسینی، سیر فرهنگ در ایران، ۱۲۷۹] آنان وقتی اصفهان را مرکز حکومت قرار دادند، در این شهر مسجدی ساختند که پایه ای برای ساختمان دیگر مساجد ایران گردید. اگر چه این مکان مقدس به دست نسلهای بسیاری از هنرمندان و معماران در اعصار بعد دگرگون و تعمیر شده است، ولی برای دیدن هنرمندی سلجوقیان باید به سوی قبله رفت و از ایوان جنوبی گذشت و به شبستان پشت آن گام نهاد. در این حال بر فرازمان گنبدی استوار و نیرومند قرار دارد که زبردستی معمار را در بنا نهادن آن بر سطحی چهارگوش می توان دریافت. این گنبد که در چشم انداز عمومی اصفهان برجستگی دارد در سال ۴۷۳ ه. ق ساخته شده است. [پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ۶۰] پدیده اصلی معماری ایران در عصر سلجوقی سبکی چهار ایوانی در احداث مساجد است، که کاملترین آن را می توان در مسجد جامع ورامین مشاهده کرد. سلجوقیان در اصفهان، گلپایگان، برسیان، اردستان و زواره مساجد تازه ای بر آوردند که همه آنها به قدر کافی دارای ویژگیهای مشترک در سبک و نقشه هستند. این بناها علاوه بر اینکه به

و اقلیمی محل، تناسب و معادله ای مقبول بین سه نوع فضای سرپوشیده، نیمه باز و باز عرضه می کنند. این مکان که معمولاً بزرگترین و همیشه معتبرترین مسجد شهر است، در پی گسترش نیاز به آن، یا همراه با فزونی یافتن قدرت مذهبی مسلمانان، شهرها، توسعه یافته و بخشی از فضای مسکونی مجاور را ضمیمه خود کرده است. با وجود رشد صنعتی و توسعه روابط اجتماعی - اقتصادی و پیروی از مدل‌های شهرسازی غربی، اگر چه از مرکزیت مسجد جامع کاسته شده، ولی هنوز هم به اتکای اعتبار عقیدتی و احترام معنوی که برایش باقی مانده است به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد شهر، نقش خود را ایفا می کند. [فلامکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی] هنوز هم گنبد و مناره مسجد بلندترین ساختمان کثیری از شهری کویری و نقاط مرکزی ایران به شمار می آید. [کاستلو، شهرنشینی در خاور میانه، ۱۳۹] اگر چه کارکردهای متنوعی که این شهرها بر عهده دارند به همراه تغییرات آب و هوایی، پستی و بلندی، مصالح ساختمانی و ساختار اجتماعی و فرهنگی، سیمای متفاوتی را عرضه می دارند، اما مایه سرافرازی آنان «مسجد» می باشد. [سعیدی، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، ۱۳۶] سازمانهای دینی در شالوده زندگی شهری چنان اهمیتی بدست آورد که مسجد جامع از ارکان اصلی نظام اجتماعی - سیاسی شهر گردید. و شهر به جایی گفته می شد که عدالت در آن اجرا شود، دارای مسجد جامع باشد و نماینده حکومت یا مقرر دولت در آنجا باشد. به همین دلیل در آغاز معمول نبود در شهرهای بزرگ بیش از یک مسجد جامع احداث گردد. [اشرف، «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی» نامه علوم اجتماعی، شماره ۴] ولی بتدریج این سنت شکسته شد و گاه پاره ای از شهرهای بزرگ دارای جامعهای متعدد بودند. ابن جبیر، سیاح مسلمان، که در اواخر قرن ششم از بغداد دیدن کرده است، درباره آن می نویسد: «هفده محله دارد که هر محله ای شهری مستقل محسوب می گردد. هشت محله آن دارای مسجد جامع است که نماز جمعه در آنها بر پا می گردد». [ابن جبیر، سفرنامه، ۱۲۷۵] در شهرهای اسلامی جهدی تمام برای نمودن جلال معنوی و شکوه و بالندگی ظاهر مساجد بزرگ - بویژه مسجد جامع - به خرج می دادند. گرچه غالب این مکانهای مقدس به فرمان حکمران یا توانگری صاحب نفوذ بنیاد می گردید، ولی غالب کسانی که به گونه ای در ساختن بنا، طراحی و آرایش مسجد سهمی داشتند، به دلیل اعتقاد درونی و اشتیاق به معبود، در عمل از ایثار آنچه در توان داشتند دریغ نمی ورزیدند. این ایمان و شوق آنان باعث گردید که معماری با شکوهی پدید آید و هنرمندان محلی با ابتکار و خلاقیت خویش رونق مسجد را بالا برند و بخش کوچکی از زیباییهای جهان هستی را که جلوه ای از عظمت خداست، با آجر کاری جالب، گچبریها، طاق و قوسها و... در حد توان به نمایش گذارند. در حقیقت مردمانی با اخلاص و صداقت تمام از نان و آب خویش مایه گذاشته اند تا موفق گردیده اند این بنا را بر پای دارند و آن را در طول اعصار و قرون از گزند بادهای شدید، تیغه سوزان آفتاب، ریزشهای جوی، هجوم قبایل وحشی و تاخت و تازهای غارتگران حفظ کنند. [جویبارهای جاویدان] فصلنامه صحیفه مبین، زمستان ۷۵، ۴۹] پیوند

معمولاً این مجموعه ها با یک مسجد شروع می شوند و در طول زمان با اضافه کردن بناهای دیگر، همچون مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائر سرا و کاروان سرا به یک مجموعه بسیار زیبا و با شکوه تبدیل می شود. [کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، فصل ۱۵]

### محبوبترین و مهمترین مکان

رسول خدا (ص) فرموده اند: «احب البلاد الی الله مساجدها» [نهی الفصاحه، ۱۳] (محبوبترین مکانها در شهرها مساجد هستند). این کلام گهربار آن خاتم رسولان در سیمای شهرهای جهان اسلام صورت عملی و عینی به خود گرفته است. زیرا مساجد مهمترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته اند. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر جایی مسجد جامع یا آئینه نداشت، از اهمیت شهری محروم بود. مسجد جامع شهرهای ایران را نه تنها به خاطر کارکرد و رابطه مستقیم و وسیعی که با همه اقشار اجتماعی دارد، بلکه بیشتر به دلیل شکل فضایی و در هم آمیختگی با پیوندهای کالبدی یا بافت مسکونی، بازرگانی و خدماتی اطراف، و نیز به دلیل واحد و قطب بودن، باید یک عنصر شهرسازی اولیه به حساب آورد. در زمانهای گذشته مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بوده است که به خاطر مراجعه مستمر همه قشرهای مردم شهر و به دلیل خلوصی که می تواند بالقوه داشته باشد، کانون انتشار هرگونه آگاهی نسبت به شرایط عمومی شهروندان، و نحوه زندگی و نظام اداری آنان محسوب می شده است. در همین مکان خبرهای نشر یافته به بحث گذاشته می شد و انعکاس آنها در افکار عمومی هم، نقطه بازگشت خود را می یافت. اگر چه مسجد جامع بیشتر مرکزی مذهبی است تا یک مرجع اجتماعی، اما شکل گیری افکار عمومی و جهتگیریهای اهداف مربوط به آینده شهر، در این مکان صورت می گرفته است. به همین لحاظ مسجد جامع شهرهای ایران، بیش از هر چیز بنیادی است اجتماعی و فرهنگی. مسجد جامعهای ایران در ارتباط با شرایط جغرافیایی



مسجد ایاصوفیه و سلطان احمد، استانبول

### نقش مسجد در بافت شهری

در مرکز شهر، مسجد جامع و فضاهای وابسته به آن، همراه مراکز زیارتی و آموزشی بعد معنوی و فکری شهر را به وجود می آورند. پس از این بخش معابر، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظامی خاص قرار گرفته اند. اما مسجد چون چشمه ای با صفا جویبارهای معنوی خود را به سوی اماکن جاری می سازد و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می نماید. [بمات، شهر اسلامی، ۱۱] فضاهای شهری، خانه ها و معابر از ارزشهایی تأثیر پذیرفته اند که در مسجد بر آنها تأکید شده است. خانه شخصی فضای داخلی بسته ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می آید. پنجره ها کمتر به خانه های مجاور و کوچه ها اشراف دارند. البته پنجره ها چنان مشبک تهیه گردیده اند که افراد داخلی بتوانند فضاهای اطراف و مناظر شهری را مشاهده کنند، بدون اینکه خودشان دیده شوند. درب محکم و سنگین مزین به چفت و بست و میخ کوبی، قبل از آنکه دروازه ای به سوی خیابان باشد، به صورت سدی در مقابل عابران و رهگذران اهل تجسس است. حتی کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می شود، تا آنکه معبری برای داد و ستد، گردش و وقت گذرانی. وانگهی داد و ستد به بخشی مشخص، یعنی بازار یا سوق اختصاص دارد. در شهرهای اسلامی کهن هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی کند، چرا که پیوستگی و تداخل پیچیده ای بین مسکن فقرا و اغنیا موجود است. آنچه که محلات زیبا را از خانه های ساده تر تفکیک می کند، وجود مجموعه های ساده متوالی و متحد الشكل است، در صورتی که در نوگرایی جدید، منطقه بندی و تقسیم بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده، شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می نماید. در یک سو خانه های اشرافی با امکانات و ضمایم رفاهی بسیار افراطی و در طرف دیگر تراکم شدید شهر در منطقه ای فقیر نشین. در شهر اسلامی هر چه از مکانهای مذهبی و مکانهای آموزشی فاصله گرفته می شود، دایره گسترده تر شده و از فشردگی آن کاسته می گردد. البته می توان جا به جاییهایی قومی را در برخی محلات مشاهده کرد، همچون: محله های یمنی نشین در اندلس یا اندلسهای ساکن در فاس و نیز محله مربوط به موریتانیا در مدینه اما همه چیز در فضایی منسجم و بدون بریدگی و گسستگی پیچیده شده است. شهر اسلامی در مجموع ناپایداری، فناپذیری و موقت بودن امور مادی را ترویج می نماید و بر ارزشهای معنوی تأکید دارد. [بمات، شهر اسلامی، ۱۱۶] همان گونه که بازار با همه اهمیت حیاتی، شکل مجلل و تشریفاتی به خود نمی گرفت و سواى نقاطی که لازمه تمرکز فشرده بود، در ارتفاع رشد چندانی نمی کرد. مردم به خود اجازه نمی دادند مساکن خویش را بلندتر از مسجد قرار دهند و احترام آن را در احداث فضاهای شهری کاملاً مراعات می نمودند. مسجد نیز بی آنکه از قدرتش کاسته شود، ابعادی بیش از آنچه متعارف به حساب می آمد به خود نمی گرفت. سواى مسجد جامع شهر که به خاطر اهمیت سیاسی خود در چهار



مسجد قرویین، فاس، مغرب

فضایی مسجد در قلب شهر و یا مراکز محلات شهر با سایر عناصر فعال شهری و منزلت فوق العاده ای که این مکان نزد عامه مردم دارد، امتیاز مضاعفی بدان بخشیده است و زمینه ای مناسب برای کاربری آن، به منزله جایگاه نهضت های رهایی بخش علیه اهل ستم، فراهم ساخته است. بدین ترتیب مسجد به عنوان مکانی مقدس و امن، علاوه بر برقراری ارتباط با دیگر عناصر فیزیکی شهری، در برقراری ارتباط با مردم، پناه دادن، هماهنگ کردن، بسیج نمودن و به حرکت در آوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیار بالایی برخوردار بوده است. از این رو، در دهه های اخیر عوامل استکباری در راستای سیاست اسلامزدایی خود، با ترندهای گوناگون از جمله تبدیل عناصر مذهبی شهر برای کاربردهای سودمندتر یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافتهای فرسوده و کهنه با بهانه آلودگیهای زیست محیطی، آنها، با تخریب بخشهایی حساس از عناصر مذهبی، درصد بر هم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاهای شهری و گسستن پیوند معنوی و روحی مردم با این اماکن برآمده اند. [سعیدی، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، ۱۰۶] معماری اسلامی نه ثمره آرمانها و دست آوردهای تمدنی خاص است، چنانکه در مورد رنسانس می بینیم - و نه مروج بیان ذهنی فرد - چنانچه در معماری مدرن مشاهده می شود، بلکه به این لحاظ عظیم و شگفت است که تمدنی بناهای تاریخی خود را برای تعظیم خداوند بر می افرازد و هر یک از وجوه آنها یادآور قدرت الهی است. هر چند معماری مقدس در اسلام، در مسجد تجلی می یابد، با این همه مسجد هیچ گاه از بقیه محیط شهری جدا نبوده است. اسلام زندگی پیروان خود را به قلمروهای مقدس و غیر آن تقسیم نمی کند. امور معنوی در همه مظاهر محیط شهری جاری است و همه مناسکی که در مسجد اقامه می گردد در خانه های مسکونی و سایر اماکن شهری به جای آورده می شوند. ساختار محیط متراکم شهری از همه طرف مسجد را چون شمعی مقدس و فروزان در میان گرفته اند و همه به یک سوی گرایش دارند، به همین دلیل معماری شهرهای مذهبی یا سنتی جهان اسلام، آدمی را از کثرت جهان بیرون می آورد و به قلمرو توحید و یکتا پرستی سوق می دهد. معماری که ریشه در سنت مقدس دارد، به هنگام نظم دادن به فضا، این نظم را از فضای مادی به بیان نظم



های نگاه توأم با گناه را در ساخت و سازها فراهم ننمایند . ورودی خانه ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می گردد ، از محراب مساجد و آجر کاری ایوانهای اماکن مذهبی الهام گرفته اند . کمتر خانه ای را می توان مشاهده کرد که از مسکن مجاور ارتفاع بگیرد . در این محلات میزان جرایم ، بزهکاری و کج روی اجتماعی ناچیز و قابل اغماض است . احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی از مشکلات و تنش های روانی می کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنین آنها تقویت می نماید . [کوثری، مشارکت فرهنگی ، ۱۹۴] در سیمای شهرهای جدید - اعم از ایران و کشورهای اسلامی دیگر - معماران و برنامه ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت ساز و تعیین کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنتهای دینی و بومی، بیگانه گشته اند و بیش از آنکه مبلغ مظاهر و سبکهای هنر و معماری اسلامی باشند . جلوه های غربی و مادیگرایی و گرایشهای اقتصادی را در ساخت شهرها مدنظر قرار داده اند؛ که ارمغان این روند ، پیدایش ناهنجاریهای اجتماعی فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانیهای خانواده ها می باشد .

### از بازار آخرت تا بازار دنیا

قال رسول الله(ص) «المساجد سوق من اسواق الاخرة تراها المغفرة و تحفتها الجنة» [مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۸۴ ، ۴] (مساجد بازاری از بازارهای آخرت است ، کالای آن مغفرت و ارمغان آن بهشت است) . در شهرهای مذهبی و سنتی جهان اسلام ، میان مسجد که بازار آخرت است با بازار دنیا ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد . معمولاً راسته بازار (سوق) از جلو درهای مسجد آغاز می گردد و بازار هم مسجد را تنگاتنگ در بر می گیرد و با بافت شهر پیوند می خورد و وجود آن زندگی روزمره ای را که در بازار جریان دارد تضمین می کند . در واقع بین فضای مقدس و مکان زندگی که عالیترین نمونه اش بازار است ، فاصله ای وجود ندارد . علاوه بر این یک نوع تعامل و ارتباط خوب هم به چشم می خورد : یکی دیگری را تضمین کرده و آن را به تحرک وامی دارد و هر دو پا هم در یک فضا جمع شده اند . حاجیان در مکه که به زیارت مهمترین کانون عبادی جهان اسلام آمده اند ، این زندگی معنوی و مادی را به نمایش می گذارند . این بیانگر آن است که در اسلام بین مادیت و معنویت تضادی وجود ندارد و دنیا هم می تواند مزرعه آخرت باشد . استفانویانکا می نویسد: «کانون چنین ترکیب شهری در ارتباط بین مسجد و بازار قرار دارد، ارتباطی که بر سنت کهن اسلامی استوار است . حتی خود مکه در عین حالی که زیارتگاه بوده ، مرکزی تجاری به حساب می آمده است» . [بمات ، شهر اسلامی ، ۱۲ و ۹۸] بازارها بیشتر در امتداد مهمترین راههای اصلی ساخته می شدند و در اغلب موارد راسته بازار شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهمترین و شلوغترین دروازه ها را به مرکز شهر متصل می کرد . در عین حال مسجد جامع در کنار بازار قرار داشت . موضوعی که هم اکنون نیز در تهران، اصفهان ، یزد ، کاشان ، نائین ، اردستان و زواره شاهد آن هستیم . همین ارتباط با مسجد موجب گردید که بازاری که در وهله اول برای عرضه تولید ، و خرید و فروش کالا شکل گرفت ، بعدها کارکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی پیدا کند . [کیانی ، تاریخ هنر

چوب فرهنگی اجتماعی نمی توانست از گرویدن به ابعادی بزرگ و به خصوص رشد در ارتفاع مصون بماند ، سایر مساجد شهرها به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده اند که پیش از هر چیز تلفیق حجم هماهنگی محیطی و تداوم فضایی را برای شهروندان پیاده ، جلوه گر می سازند . به جدارهای خارجی این مساجد معمولاً توجه چندانی نمی شود و صرفاً ورودیهایی که به مجموعه فضایی مسجد راه می دهند تزئین می شوند ، تا از راه ابعاد بزرگتری که دارا هستند تمیز دادنشان به راحتی مقدور باشد . این دسته از مساجد هیچگاه فقط یک ورودی ندارند در حالی که می توان غالباً ورودی اصلی آن را تشخیص داد . در توجیه این نکته باید یادآور شد که راهیابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن چه از شاخه های گوناگون فضای مسکونی مسجد و چه از شاخه های متفاوت بافت بازارها ، مطلبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند داده است . [فلامکی ، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی ، ۵۸] در شهرهای ایران مساجد به همراه زیارتگاهها و تکایا چنان در چشم اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می شوند که در غالب آنها تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند . همچنین در بافت شهری نقش مسجد آنقدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعویض باز می دارد ، به پاره ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی دهد و در عین حال برخی حرفه ها را به شدت جذب می کند . [شکویی ، جغرافیای شهری ، ج ۲ ، ۴۰۵] شهری که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پیگیر تحقق معماری مذهبی بوده اند ، جامعه ای را به یاد می آورد که باید منسجم ، صمیمی و متحد باشند . در این صورت تمامی شهر یک خانه را تشکیل می دهد، از این جهت برای نشان دادن جامعه شهری «بیت الاسلام» مطرح می گردد و در واقع بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می یابند . [بمات ، شهر اسلامی ، ۸۸] در محلات سنتی در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آیینهای مذهبی و فرهنگی که غالباً در مسجد محل برپا می شود ، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می کنند . بزرگ محل که معمولاً انسانی متدین ، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست ، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم بین اهل محل می کوشد و از نزاعها و کدورتها تا حد امکان جلوگیری می نماید . ساکنین محل به احترام او رفتار خویش را اصلاح و کنترل می نمایند و می کوشند هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند . همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می یابد، مرزبندیهای اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل می برد و گروههای غنی در کنار اقشار کم درآمد ، در نهایت صلح و صفا زندگی می کنند . فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده اند . زیرا کوشیده اند در ساختن خانه ، همسایه خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نکنند و زمینه

معماری ایران در دوره ساسانی، ۱۷] در واقع مسجد جامع شهر، به دلیل اینکه رکن اصلی قدرت معنوی و مذهبی به شمار می رود، نمی تواند جدا یا با فاصله زیاد از بازار موضع بگیرد. لذا متصل به بدنه بازار و در آمیخته با کالبد واحدهای معماری شهری سازنده آن دیده می شود. در مثالهای فوق بافت مسکونی مجاور یا پشت بازار از راه ورودیهای متعدد مسجد جامع به بازار ارتباط می یابد و مسجد جامع بیشتر رابطه مستقیم را با بافت مسکونی از یک سو و با بافت بازرگانی - خدماتی از سوی دیگر برقرار می کند. [فلامکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، ۱۲۹] لوئی ماسینیون خاطر نشان ساخته است که در شهرهای بزرگ عربی اسلامی - نظیر قاهره - رابطه نزدیکی بین منطقه مرکزی بازارها با مسجد جامع و مخصوصاً موقعیت پر رفت و آمد بازار طلا فروشان و مرکز صرافان و بازار تسبیح فروشان وجود دارد. بنابراین در ساختار پذیری مراکز شهری، بازار و مسجد جامع نقش قاطع ایفا می کردند و حال آنکه عموماً مرکز سیاسی شهر دارای نقش محدود یا ناچیزی بود. در همه شهرهای بزرگ تطابق کاملی میان محله بازار و مرکز شهر وجود داشت. ویژگی دوم تمرکز گرایی شدید شهری این است که فعالیتهای شهر به صورت شعاعی به سمت نواحی بیرون منطقه بازارها و مسجد جامع توسعه می یابد. مکان یابی فعالیتها، از مرکز تقریباً خصوصیت شعاعی متحدالمرکز را داشت و فعالیت های اقتصادی براساس اهمیتی که داشتند به صورت حلقه های محاط بر یکدیگر، یا براساس مقدار آلودگی و مزاحمتی که ایجاد می کردند و یا براساس نیازشان به فضا مرتب و منظم می شدند.

اقدامات وقفی که توسط پادشاهان قرن دهم هـ. ق در حلب و در جنوب مدینه آن شهر انجام شد، شامل تعدادی بازار می گردید که بعضی از آنها هویت اصیل معماری دارند و به درستی با یک نظام متشکل از طاقها و گنبدها به بناهای وقفی اصلی؛ یعنی مساجد متصل مرتبطند. در تونس محله بازار پیرامون مسجد جامع سازمان یافته بود. [ریمون، شهرهای بزرگ عربی اسلامی، ۲۵ و ۵۱] متأسفانه شهرها و شهرک های جدید جهان اسلام از چنین ویژگی محرومند.

#### منابع:

- ۱- ابن جبیر، محمد بن احمد، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰
- ۲- ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵
- ۳- ابن شبه نمیری بصری، ابوزید عمر، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۳۶۸ ش
- ۴- ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، لایبزیك، ۱۸۵۸ م.
- ۵- اشرف، احمد، «ویژگیهای تاریخی شهر نشینی در ایران دوره اسلامی» مجله نامه علوم اجتماعی
- ۶- اصفهانی، عبدالله، «جویبارهای جاویدان»، فصلنامه صحیفه مبین
- ۷- الحسن، حمزه، الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، مؤسسه البقیع لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق
- ۸- البلاقی، سید حسین بن سید احمد، تاریخ الکوفه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۷ ق
- ۹- بemat، نجم الدین، شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیره اسلامبولچی، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹
- ۱۰- بویل، ج. آ، تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن

- انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸
- ۱۱- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، جاویدان
- ۱۲- پرایس، کریستن، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶
- ۱۳- جعیط، هشام، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲
- ۱۴- دیار ابرار، پژوهشکده باقرالعلوم، قم، ۱۳۷۳
- ۱۵- رایس، دیوید، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۵
- ۱۶- رفعت پاشا، ابراهیم، مرآه الحرمین، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۴ ق
- ۱۷- ریمون، آندره، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، ترجمه حسن سلطان زاده، تهران. آگاه، ۱۳۷۰
- ۱۸- زمانی، عباس، «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، مجله هنر و مردم
- ۱۹- سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸
- ۲۰- سلطان زاده، حسین، تاریخ شهر و شهر نشینی در ایران، تهران، نشر آبی، ۱۳۶۱
- ۲۱- شاه حسینی، ناصرالدین، سیر فرهنگ در ایران
- ۲۲- شکویی، حسین، جغرافیای شهری، تهران کتابفروشی تهران، ۱۳۵۴
- ۲۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تحقیق و ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر
- ۲۵- عاملی، حر، وسائل الشیعه فی تحصیلات سایل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۲۶- فلامکی، محمد منصور، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۵
- ۲۷- فیروزان، مهدی، راز و رمز هنر دینی، تهران، سروش، ۱۳۸۰
- ۲۸- کاستلو، وینسنت فرانسس، شهرنشینی در خاور میانه، ترجمه پرویز پیران و تهرانی، نشر نی، ۱۳۶۸
- ۲۹- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منج الصادقین، تهران، اسلامیه
- ۳۰- کوثری، مسعود؛ نجاتی حسینی، سید محمود، مشارکت فرهنگی، تهران، نشر آن، ۱۳۷۹
- ۳۱- کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس، ۱۳۵۵
- ۳۲- کیانی، محمد یوسف، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۴
- ۳۳- گدار (و دیگران)، آندره، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱
- ۳۴- سمعی مصطفی، صالح مدینه المنوره، ترجمه صدیقه و سمنی، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲
- ۳۵- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت (لبنان)، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق
- ۳۶- مشهدی. محمد بن جعفر، فضل الکوفه و مساجدها، تحقیق محمد سعید طریحی
- ۳۷- معتمدی، احمد رضا، مبانی هنر موعود، تهران، برگ، ۱۳۶۸
- ۳۸- ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش دکتر نادر وزین پور، تهران، کتابهای حبیبی
- ۳۹- نوحی، حمید، تأملات در هنر و معماری، تهران، کام تو، ۱۳۷۹
- ۴۰- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت، ۱۴۰۷
- ۴۱- هوگ، ج.؛ مارتن، سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸
- ۴۲- هیل، درک؛ گرابار، اولگ، معماری و تزئینات اسلامی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵